

انسان و گونه‌شناسی نعمت‌های الهی با تأکید بر آیات سوره مبارک الرحمن

سید حسین حسینی بجدنی*

دانشجوی دکتری رشته الهیات، علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۲۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۴/۶).

**** مهدی مهریزی طرقی****

استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. نویسنده مسئول

***** سید محمد باقر حجتی*****

استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

انسان به سبب دارا بودن صفات و ویژگی‌های خاص ذاتی کانون توجه خردورزان بوده و هر اندیشمندی با توجه به بینش خود شناخت انسان را مورد واکاوی قرار داده است؛ از سویی پی بردن به نعمت‌های خلق شده متقن‌ترین راه برای شناخت خالق هستی است و با شناخت خالق، ماهیت انسان تبیین می‌گردد که خود سبب شکرگزاری، تذکر انسان، رهایی از غفلت و سرانجام راه گشای سعادت دنیا و آخرت خواهد شد. این مسئله ضرورت بحث پیرامون انسان و نعمت‌های الهی را مبرهن می‌نماید. سوره مبارکه «الرحمن» به‌طور ویژه بر نعمت‌های الهی تأکید داشته و آلاء خداوند را به دو دسته دنیوی و اخروی تقسیم نموده که از جمله نعمت‌های دنیوی می‌توان به نعمت اعطای قرآن کریم و زمینه‌سازی تعلیم و تعلم، خلقت خورشید و ماه و تجلی نظام بر آنها، آفرینش گیاهان و محصولات آنها، توجه به ماهیت و چگونگی خلقت انسان، قراردادن فصول سال و بهره‌گیری از فصل‌ها، بهره‌گیری از دریاها و محصولات دریایی، فناپذیری ممکن الوجود و فناپذیری واجب الوجود و... اشاره نمود. حسابرسی، نعمت فروپاشی نظام دنیا و ربوبیت مطلق خداوند، محیاشدن شرایط برپایی

* Email: hosein.bojdani@yahoo.com

** Email: toosi217@gmail.com (نویسنده مسئول)

*** Email: s.m.hijati@gmail.com

قیامت، برقراری عدالت و اجرای قانون عدل الهی بر گناهکاران، ایجاد دوبهشت و اعطای الهی بر موحدین، زندگی پایدار و جاویدانه، دیگر نعمت‌های بهشتی اعم از باغ‌ها، چشمه‌ها، میوه‌ها، همسران زیبا و با وفا، حوریان بهشتی را از جمله نعمت‌های اخروی قلمداد کرد؛ لذا نوشتار حاضر می‌کوشد با رویکردی تحلیلی - توصیفی به انسان و نعمت‌های الهی از دیدگاه قرآن با تأکید بر آیات سوره الرحمن بپردازد.

واژگان کلیدی: سوره الرحمن، دنیا، نعمت، آخرت، انسان.

مقدمه

خداوند باری تعالی به بشر الطاف و نعمت‌های بی‌شماری اهداء نموده که شناخت ارزش این موهبت‌های الهی ارزش خاص آن نعمت‌های پنهان را هویدا می‌کند و پرده غفلت را از جلو روی انسان برمی‌دارد. انسان به‌عنوان اصلی‌ترین موجود در جهان آفرینش قلمداد می‌شود که همواره مورد لطف و توجه باری تعالی بوده و از نظر هدف و ماهیت خلقت با سایر موجودات تفاوت‌های بنیادی دارد به طوری که با استعانت از قوه عقل و معارف و حیانی قادر به نائل‌شدن به مقام خلیفه‌اللهمی است که یکی از والاترین و بهترین نعمت‌های خداوند بر دیگر نعمت‌های می‌باشد؛ از این روست که حضرت باری تعالی بعد از خلقت انسان می‌فرماید: «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (مؤمنون/ ۱۴)؛ لذا انسان باید نعمت‌های الهی را بشناسد تا متذکر شده، شکر گزاری نماید و به مقصود و جایگاه اصلی‌اش که باریابی به جایگاه خلیفه‌اللهمی است نائل آید. سوره الرحمن از جمله سوره‌هایی است که در آن نعمت‌های الهی را تبیین می‌نماید؛ بنابراین بابررسی و کنکاش در آیات مبارک سوره الرحمن به سؤالات زیر پاسخ منطقی و استدلالی می‌دهیم:

۱. رابطه نعمت‌های خداوند با انسان با تأکید بر سوره الرحمن چیست؟

۲. نعمت‌های خداوند در زندگی دنیوی و اخروی شامل چه می‌شود؟

۱. پیشینه

سوره مبارکه «الرحمن» در مکه نازل شده، نود و هفتمین سوره در جزء ۲۷ که در ترتیب فعلی قرآن کریم سوره ۵۵ می‌باشد (معرفت، ۱۳۸۱: ۹۰)، دارای ۱۶۳۶ حرف، ۳۵۱ کلمه و ۷۸ آیه است. برای این سوره چند اسم ذکر شده است (ر.ک: میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۹: ۴۰۴) که شامل «الرحمن»، «آلاء» (ر.ک: خرمشاهی، ۱۳۷۷، ج ۲: ۱۲۵۳) و «عروس قرآن» (ر.ک: قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۱۲: ۵۵۸) می‌شود. تسمیه سوره «الرحمن» به علت وقوع این کلمه در اول آن است، از باب تسمیه جزء به اسم کل، این سوره همه‌اش بیان نعمت‌های گسترده خداوند متعال است. از سخنان اهل بیت علیهم‌السلام می‌توان دریافت، تسمیه این سوره به وسیله رسول خدا و در شرایط تعامل با مسیحیان حبشه تأکید شده است (ر.ک: قرشی بنایی، ۱۳۷۵، ج ۱۰: ۴۶۶؛ نیز ر.ک: طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹: ۹۴). در زمینه بحث و بررسی نعمت‌های الهی بر انسان از منظر قرآن کریم با تأکید بر سوره الرحمن می‌شود گفت با وجود اهمیت فراوان آن به‌عنوان یک روش شناختی - تربیتی در هیچ کتاب یا مجله‌ای به‌طور کامل و خاص مورد بررسی قرار نگرفته و از کتاب‌ها و مقالاتی که ارتباطی با پژوهش حاضر دارد، می‌توان به عروس قرآن از عابدینی که صرفاً به تفسیر این سوره، آن هم با رویکرد زیبایی‌شناسانه پرداخته؛ آن‌گونه که عروس، زیبایی‌های ظاهری دارد و بهشت جاودان از دستغیب سوره را از نگاه معرفتی مورد واکاوی تفسیری قرار داده و نگارنده، صرفاً به تفسیر یکایک آیات این سوره پرداخته است. دیگری بررسی مصادیق رحمت در سوره الرحمن از سیده‌لیلا میرزایی سوره مبارک را با نگاهی خاص و رحمت محور مورد توجه قرار داده یعنی به‌دنبال بیان جنبه‌های رحمت باری تعالی در این سوره بوده‌اند و همچنین زیباشناسی و تصویرآفرینی در سوره الرحمن از ساجده موسوی با نگاهی هنرمندانه به این سوره پرداخته و به‌دنبال بیان زوایای زیبایی پردازانه قرآن کریم بوده است. در این اثر، نویسندگان بسیار ماهرانه جنبه‌های زیبایی شناختی این

سوره و نیز تصویرگری‌های قرآن کریم در این باره را به رشته تحریر در آورده‌اند. تفسیر باطنی آیات ۹۱ تا ۲۲ سوره الرحمن از ربیع نتایج و خلیلی اصلا در فضای تفسیر باطنی وارد شده و در ورای تفاسیر معمول و ظاهری به بیان مقصود خدای سبحان پرداخته است. به طوری که جدیدترین یافته مقاله‌ای از پور جعفر و وثیق با عنوان تصویر باغ و عناصر منظر در قرآن با تأکید بر سوره الرحمن بیان داشتند که از کلیت مطالب می‌توان به این جمع‌بندی رسید که تصویر باغ در سوره الرحمن بر اصول و عناصر منظری خاص تکیه دارد. آنچه در نوشتار حاضر مورد واکاوی قرار می‌گیرد، به صورت مشخص، نعمت‌های دنیایی و آخرتی و نیز باطنی و ظاهری مندرج در آیات سوره مبارک است، که این امر، با رویکردی معرفت‌شناسانه سامان یافته و در هیچ کتاب یا مجله‌ای به طور کامل و خاص مورد کنکاش قرارنگرفته است.

۲. مفهوم‌شناسی نعمت

واژه نعمت، از ریشه «ن.ع.م.» اخذ شده و ۱۴۴ مرتبه در قرآن کریم آمده است. لغت‌شناسان، نعمت را مصدر نوعی (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱۲: ۱۶۱؛ ازهری، [بی‌تا]، ج ۳: ۹) و برای واژه «نعمت» معانی گونه‌گونی چون احسان، نیکی، مال و روزی (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۱۶۱-۱۶۲) حالت نیک و پسندیده (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۸۱۴) به ناز و نعمت رسیدن، رفاه و منت (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۱: ۱۲۵) و آنچه به فرد اهداء می‌شود (جوهری، ۱۴۱۰، ج ۵: ۲۰۴؛ ...) برشمرده‌اند. طبرسی اصل معنای نعمت را فراوانی می‌داند و می‌فرماید:

أصل النعمة المبالغة والزيادة يقال: دقت الدواء فأنعمت دقته أي بالغت في دقته: حقیقت و اصل نعمت فراوانی و زیادی می‌باشد، چنان‌که می‌گویند: دارو را خوب و فراوان کوفتم (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۱۰۸).

بنابر مطالب یادشده می‌توان نتیجه گرفت که وجه اشتراک معنایی این واژه در

دیدگاه ارباب لغت، عبارت است از: «آسایش»، «خوشگوارى زندگى» و «نیکوبودن حالت و شادبودن»، که در غایت خویش، ازسوی موجود برتر و بالاتر اعطا می‌گردد؛ که براین اساس به یک اعتبار به سه دسته ظاهری، باطنی و پنداری (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۵۱۵) و به اعتبار دیگر، به دو دسته دنیوی و اخروی شاخه‌بندی می‌گردد (بیضاوی، ۱۴۰۲ق، ج ۱: ۳۰). واژه آلاء جمع (ألا یا إلا) در اصل به معنای بلوغ و رسیدن است که در معانی گونه‌گونی همچون: عهد، قسم، نعمت، استطاعت، پایان کار و کوشش، اظهار قدرت و مهربانی به کار رفته و به دلیل آنکه «نعمت» برگشتش به بروز نهایت عطف و مهربانی و رحمت می‌باشد، آلاء به جای نعمت به کار می‌رود و مترادف معنایی ندارد (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱: ۱۲۴)؛ لذا در سوره الرحمن از آنجا که هرگونه احسان و فضل اعم از ظاهری - باطنی از مصادیق «آلاء» و معنای جامع آن هرچیزی است که به رحمت و عطف خدا برمی‌گردد مترادف نعمت به کار رفته است.

۳. گونه‌های نعمت‌های الهی در سوره الرحمن

تفضل و عنایت الهی نعمت‌های بیشماری را برای بهره‌وری و رشد مادی - معنوی انسان‌ها اعطا فرموده است. قرآن کریم می‌فرماید: «وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ» و اگر نعمت‌های خدا را بشمارید، هرگز نمی‌توانید آنها را احصا کنید. خداوند بخشنده و مهربان است! (نحل / ۱۸). با تعقل و تأمل به روشنی می‌توان دریافت، قرآن کریم اهتمام و توجه ویژه‌ای نسبت به بیان این نعمت‌ها داشته و دارد. به گونه‌ای که در سوره الرحمن ۳۱ نعمت ارزشمند به تعداد آیه شریفه «فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَان» از این آلاء آشکارا بازتابیده و به صورت برجسته خودنمایی می‌کند. در این بخش پاره‌ای از این نعمت‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۱. نعمت‌های دنیوی

این دنیا، مکانی است که خداوند متعال نعمت‌های را در اختیار انسان قرار داده تا از آن بهره گیرد، نوع استفاده از این نعمت‌های خود می‌تواند سرچشمه تمام فسادها و تبه‌کاری‌ها شود و هم می‌تواند کشتزاری باشد برای کسانی که زاد و توشه خود را از این طریق فراهم نموده (ر.ک: شریف رضی، ۱۴۱۴ق، خ ۲۸: ۷۱)؛ در قرآن کریم از کسانی مثل حضرت سلیمان علیه السلام یاد می‌کند که هم دنیا و هم آخرت را دارند. پس انسان می‌تواند از نعمت‌های دنیا بهره‌مند شود و در آخرت هم سعادت‌مند باشد (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۱: ۲۱۳)؛ لذا رحمن، رحمت عام خداوند متعال است که شامل همه بندگان خداوند؛ یعنی هم مؤمنان و هم کافران می‌شود؛ همان‌گونه که باران رحمت الهی همه را دربر گرفته (قلعه قونند، ۱۳۹۱: ۴۹)؛ براین اساس در طلیعه این سوره، برخی نعمت‌های دنیوی (آیات ۱-۳۰) همانند تعلیم قرآن کریم، آفرینش انسان و جن، آفرینش گیاهان و درختان، آفرینش آسمان، حاکمیت قوانین، آفرینش زمین با ویژگی‌هایش، خلقت میوه‌ها، خلقت گل‌ها و گیاهان معطر؛ تلاقی دریای شور و شیرین و نعمت‌های موجود در دریا اشاره شده است که مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

۳-۱-۱. اعطای قرآن کریم و زمینه‌سازی تعلیم و تعلم

علم اندوزی و علم آموزی که از آن به تعلیم و تعلم یاد می‌شود، یکی از اثر بخش‌ترین اقدامات موثر در فرآیند جامعه‌سازی و ارتقای بینش عمومی شمار می‌شود (عبداللهی‌پور و حسینی، ۱۳۹۴: ۱۵۳) قرآن کریم نسبت به تفکر، تعلیم و تعلم تشویقی ویژه و عنایتی خاص نموده و از آن به‌عنوان نعمتی ارزشمند یاد کرده (بلخی، ۱۴۲۳ق، ج ۴: ۴۰۳) در آیات ۱-۴ سوره الرحمن: «الرَّحْمَنُ * عَلَّمَ الْقُرْآنَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ * عَلَّمَهُ الْبَيَانَ: خداوند رحمان، قرآن را تعلیم فرمود، انسان را آفرید و به او [بیان] را آموخت». باری تعالی «عَلَّمَ الْقُرْآنَ» را با «الرَّحْمَنُ» همراه می‌سازد بدین منظور که اگر کسی

خواستار تربیت صحیح است که در آن به درجات والا برسد، می‌بایست شکل و انگیزه رحمانی بگیرد و شاکله‌اش رحمت و مهرورزی فراگیرد و اصل تربیت صحیح را اینگونه رهنمون می‌شود که انسان نه تنها ظاهر قرآن کریم بلکه تعالیم محتوای بلند آن نیز باید کانون توجه قرار دهد تا به تربیتی منجر شود که اولین نعمت در سوره الرحمن شمرده می‌شود از این رو در نگاه اندیشمندان مسلمان (ر.ک: کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۵: ۱۲۱) تنها در سایه معارف و حیانی است، که انسان به سعادت نایل می‌آید و به کمال نهایی می‌رسد که از نعمت‌های خداوند متعال بر انسان برای هر دو جهان است (ر.ک: اسراء / ۹، ابراهیم / ۱ و...). به بیان دیگر تنها راه سعادت آدمی و نجات وی از جنس تاریکی‌های جهان آفرینش، تمسک به کتاب آسمانی قرآن کریم و تسلیم شدن در برابر فرمان‌های آن است؛ به گونه‌ای که می‌بایست این معجزه جاودان پیامبر خاتم، محور یکایک کنش‌ها و گفتارهای وی لحاظ گردد. از همین رو امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنْزَلَ فِي الْقُرْآنِ تَبْيَانًا كُلِّ شَيْءٍ حَتَّىٰ وَاللَّهِ مَا تَرَكَ اللَّهُ شَيْئًا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْعِبَادُ حَتَّىٰ لَا يَسْتَطِيعَ عَبْدٌ يَقُولُ لَوْ كَانَ هَذَا أَنْزَلَ فِي الْقُرْآنِ - إِلَّا وَقَدْ أَنْزَلَهُ اللَّهُ فِيهِ:

خداوند در قرآن هر چیزی را بیان کرده است به خدا سوگند! چیزی که مورد نیاز مردم بوده است، کم نگذاشته تا کسی نگوید اگر فلان مطلب درست است، باید در قرآن نازل می‌شد. آگاه باشید! همه نیازمندی‌های بشر را خدا در آن نازل کرده است (بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱: ۳۰).

بنابراین سوره الرحمن پس از ذکر صفت باری تعالی مهم‌ترین نعمت دنیوی را قرآن کریم برمی‌شمارد و از آنجاکه لازمه و ابزار این تعلیم و تعلم را برای امرآموزش اعطای زبان و بیان می‌داند آنها را دیگر نعمت‌های دنیوی قلمداد می‌فرماید. در تحلیل و بینش قرآنی (ر.ک: علق / ۴-۵؛ الرحمن / ۲ و...) نخستین معلم خداوند و انسان متعلم اول است و آموزش دیدن انسان، نشانه هویت و ماهیت انسان قلمداد می‌گردد، بدین مفهوم که انسان از حیث همین آموزش دیدن مستقیم از طرف خداوند است که به مقام انسانیت و درپی آن خلافت الهی بر هستی از قرارگاه زمین نائل گشته است.

۲-۱-۳. خلقت خورشید و ماه و تجلی نظام بر آنها

طبق آیات سوره مبارکه الرحمن که می‌فرماید: «الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ * وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ * وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ * أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ: خورشید و ماه با حساب منظمی می‌گردند و گیاه و درخت برای او سجده می‌کنند! و آسمان را برافراشت و میزان و قانون [در آن] گذاشت تا در میزان طغیان نکنید» (الرحمن/ ۵-۸). یکی از مواهب الهی که نشانه عظمت خداوند متعال در این دنیا به حساب آمده، خورشید و ماه و نظم حاکم بین آنها شمرده شده، از تاریخ حضور بشر در این دنیا و کره خاکی شاهد این دو نعمت آسمانی است که لحظه‌ای از نظم و مسیر خود تخلف نورزیده‌اند؛ لذا برنامه زندگی خود را بر حسب چرخش این دو، تحت حساب و نظم در آورده، برای خود مبداء تاریخ گذاشته و برحسب ترتیب شب، روز، ماه و سال امور فردی - اجتماعی خود را تنظیم می‌کند. خورشید کانون برکات بی‌شمار برای این دنیا قلمداد می‌شود چراکه حرارت، نور و روشنایی موجب رشد و نمو گیاهان و منبع انرژی تمامی جانوران است (ر.ک: آماسویچ، ۱۳۵۶: ۱۸). ازسوی دیگر ماه با نقش آفرینی در جزرو مد اقیانوس‌ها، مسیر یابی شبانه، عامل بارش باران‌ها، وزش باد، ایجاد فصول و... نقش و اهمیت ویژه‌ای در این دنیا دارد. شاید به دلیل اهمیت همین نعمت‌های و ثمرات بی‌شمار خورشید و ماه، در طول تاریخ بشر گروهی آن دو را خدای خدایان دانسته و بر آنها سجده نموده باشند.

۳-۱-۳. آفرینش گیاهان و محصولات آنها

خداوند در سوره الرحمن می‌فرماید: «وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ * فِيهَا فَاكِهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ * وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ * فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَان: زمین را برای خلایق آفرید که در آن میوه‌ها و نخل‌های پُرشکوفه است و دانه‌هایی که همراه با ساقه و

برگی است که به صورت کاه درمی‌آید و گیاهان خوشبو! پس کدامین نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب می‌کنید [شما ای گروه جنّ و انس؟!]. (الرحمن / ۱۰-۱۳). از دیگر مواهب الهی که نشانه عظمت خداوند متعال بر طبق آیات در این دنیا به حساب آمده، نعمت وجود گیاهان و محصولات آنها است. از نگاه صاحب‌نظران دانش زیست‌شناسی و علوم تجربی (ر.ک: مجنونیان، ۱۳۶۹: ۳۳-۴۱)، گیاهان پیوسته در تلطیف هوا، ایجاد اکسیژن، محافظت از خاک، تعادل درجه حرارت محیط و... نقش آفرینی می‌نمایند و خواسته‌های روحی - جسمی بشر را برطرف می‌سازند. انسان‌ها می‌توانند با احتیاج دارویی و منابع زندگی خود را از آنها به دست می‌آورند و با گردش در طبیعت و تماشای گیاهان و گل‌های معطر طراوت و آرامش روحی می‌یابند؛ بنابراین پس از ذکر نعمت‌های گوناگون مادی و معنوی در این آیات جن و انس را مخاطب ساخته «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» و می‌فرمایند: «پس کدامین نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب می‌کنید؟! نعمت‌هایی که دلیل روشنی بر جلال و رحمانیت خداوند متعال است و انکار آن از صاحب عقل سلیم ناممکن است؛ و این استفهام، از نوع استفهام تقریری است که در مرتبه اقرار گرفتن می‌آورند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۳: ۱۱۳). در حدیثی امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

مَنْ قَرَأَ سُورَةَ الرَّحْمَنِ فَقَالَ عِنْدَ كُلِّ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ لَأَبْشِيَنَّ مِنْ آلائِكَ رَبِّ أَكْذَبُ: هرکس سوره الرحمن را تلاوت نمود و پس از ذکر «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» عرضه داریم پروردگارا! من هیچ‌یک از نعمت‌های تو را تکذیب نمی‌کنم (بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۵: ۲۲۷).

۳-۱-۴. نعمت نوع خلقت انس و جن

از دیگر اموری که قرآن کریم نظر و عقل را به تجلی رحمت خداوند متعال رهنمون می‌شود، در آفرینش جن و انس نمود یافته؛ قرآن کریم می‌فرماید: «خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ * وَ خَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَارِجٍ مِنْ نَارٍ * فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ»

انسان را از گل خشکیده‌ای همچون سفال آفرید و جن را از شعله‌های مختلط و متحرک آتش خلق کرد! پس کدامین نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟!» (الرحمن / ۱۶-۱۴). در این آیات به صورت اشاری خلقت انسان از «صلصال» گل خشکیده و مراحل طی کرده از نطفه تا رشد و نمو و خلقت جن از «مارج» - به مفهوم شعله خالص و بدون دود از آتش - را یکی از آلاء خداوند متعال بر آنها دانسته که با خواسته‌ها و نقش هریک در زندگی دنیا متناسب است (ر.ک: بلخی، ۱۴۲۳ق، ج ۴: ۱۹۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹: ۳۰۵-۳۰۶) به‌دیگرسخن، آفرینش انسان از خاک و آفرینش جن از آتش، با نمود عینی و ماموریت‌هایی که برای هریک از این آفریدگان در نظر گرفته شده، کاملاً سازگار و منطبق بوده و همین امر، در زمره نعمت‌های الهی به شمار می‌آید.

۱-۴-۳. ماهیت خلقت بنیادی و فضیلت وجودی انسان

ازسویی به باور اندیشمندان مسلمان (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷: ۱۶۱) «خلقت» از ریشه خلق دارای معانی گوناگونی از جمله به‌معنای اندازه‌گیری و جمع مواد موجود و هیئتی نودادن بوده و عرب بدین جهت استعمال می‌کند که در آفرینش امر اندازه‌گیری فراتر از هر چیزی ارزشمند است و ازسوی دیگر خلقت ابتدایی انسان از نطفه و منی، گل خشک (صلصال)، گل (طین)، خاک (تراب) درآیاتی از قرآن کریم آمده؛ که مفسران در تفسیر آن با هم اختلاف چندانی ندارند (ر.ک: ابن‌کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۴: ۴۵۷-۴۵۸؛ شوکانی، ۱۴۱۴ق، ج ۴: ۲۵۲-۲۵۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۴: ۹۸-۹۹)، اما نکته مهم آنکه خداوند مراحل خلقت را از ماهیت پست و حقیر تشریح می‌نمایند. به بیان بهتر، باتوجه به اینکه فضیلت یک الگو و امری فکری و رفتاری است، فضیلت انسان این معنا را دارد که خداوند متعال از ماهیت ابتدایی پست و بی‌ارزش هستی، موجودی به نام انسان را متبلور نموده که بر کل خلایق خود مکرم و برتری داده که

بزرگترین لطف و نعمت خداوندی به شمار می‌آید؛ از این رو به محض آفرینش این موجود، خویش را تحسین می‌نماید؛ که در گنجینه سخنان اهل بیت^{علیهم‌السلام}، این برتری انسانی بر سایر موجودات به وضوح تصریح گردیده است (ر.ک: بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۳: ۵۵۰) خداوند متعال در انسان عقل و اراده ایجاد کرده و در ماهیتش نسبت به سایر هستی استعداد و بهره‌های تکوینی و تشریحی بیشتری قرار داده؛ انسان با بهره‌وری از قدرت اراده و اختیار توانایی دارد از این نعمت بی‌بدیل الهی در مسیر انسانیت گام بردارد، خود را کامل‌تر کند و از همه موجودات عالم فراتر رفته و در نهایت به سعادت و مقام خلیفه الهی نایل آید.

۳-۱-۵. قراردادن فصول سال و بهره‌گیری از فصل‌ها

در فرازی دیگر از سوره مبارکه الرحمن به یکی دیگر از نعمت‌های الهی پرداخته شده و آمده است «رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ * فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» او پروردگار دو مشرق و پروردگار دو مغرب است! پس کدامین نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! (الرحمن / ۱۷-۱۸). خورشید در هر روز، طلوع و غروب دارد و اندازه روزهای سال مغرب و مشرق دارد. باتوجه به قوس صعودی و نزولی حرکت آن در واقع دو مشرق و دو مغرب دارد و باقی در میان این دو می‌باشد که عامل ایجاد نعمت فصول چهارگانه سال با برکات بی‌شمار است؛ براین اساس حضرت علی^{علیه‌السلام} فرموده است: «مراد از رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ، مشرق و مغرب فصل زمستان و تابستان است که به خاطر دو جابودن آنها چهار فصل پدید می‌آید» (ابن بابویه، ۱۳۶۶: ۲۴)؛ لذا خداوند متعال از ایجاد فصول سال به عنوان نعمتی ارزشمند یاد می‌فرماید و نام مبارک الرحمن را برای ما تجلی می‌سازد؛ چراکه فصل‌ها افزون بر زیبایی و ایجاد شور و نشاط تنوع غذایی گیاهی و جانوری را عامل است. خداوند متعال از آنجاکه تکذیب‌کنندگان را یادآور این آلاء شود، عتاب می‌فرماید: «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» تا

بزرگی و عظمت مرحمتش را یادآوری نماید».

۳-۱-۶. بهره‌گیری از دریاها و محصولات دریایی

از دیگر نعمت‌هایی که قرآن کریم انسان را به تجلی و توجه الطاف الهی رهنمون می‌شود، در خلقت دریا و بهره‌وری از آن نمود یافته؛ قرآن کریم می‌فرماید: «مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ * بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ * فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ * يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ * فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ * وَ لَهُ الْجَوَارِ الْمُنشآتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ * فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ: دو دریای مختلف [شور و شیرین، گرم و سرد] را در کنار هم قرار داد، درحالی که با هم تماس دارند، در میان آن دو برزخی است که یکی بر دیگری غلبه نمی‌کند [و به هم نمی‌آمیزند]! پس کدامین نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! از آن دو، لؤلؤ و مرجان خارج می‌شود. پس کدامین نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! و برای اوست کشتی‌های ساخته‌شده که در دریا به حرکت درمی‌آیند و همچون کوهی هستند! پس کدامین نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟!» (الرحمن / ۱۹-۲۵). در جای خود ثابت شده (ر.ک: جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۱: ۵۶-۵۵) ارزش دریا به لحاظ کشتی رانی، راه آبی، سفر، تولید برق، استخراج مواد غذایی و غیر غذایی چون سنگها، جواهراتی همانند لؤلؤ و مرجان و... بسیار فراگیر است. دریاها به نسبت خشکی بخش بیشتری را به خود اختصاص داده‌اند. به علاوه عقیده بسیاری از دانشمندان نخستین رویش حیات بر روی زمین از دریاها شکل گرفته و ادامه حیات همه موجودات هم تا حد زیادی بدان وابسته است. با تبیین اطلاعات هواشناسی و تحلیل نقشه‌های همدیدی نقش دریاها در تولید عنصر حیات یعنی اکسیژن و بارش باران موثر آفرین توصیف شده است (کلارک، ۱۳۸۰: ۶۵-۶۸) به‌طور عمده مهم‌ترین نقش و منافع دریاها را از دیدگاه قرآن کریم در چهار بخش می‌توان خلاصه کرد.

۱. طبق آیات (ر.ک: الرحمن / ۱۹-۲۰) خلقت دریای شور و شیرین نعمت

محسوب شده و به عقیده مفسران (ر.ک: طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹: ۹۹-۱۰۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۳: ۱۲۴-۱۲۶) اهمیت این امر بر آن است که دریای شور بستری مناسب برای زندگی و حفظ جانداران دریا باشد و دریای شیرین برای حیات انسان‌ها، حیوانات و نباتات که در خشکی زندگی می‌کنند؛ از این بیان تفسیری می‌توان دریافت، خود شوری و شیرینی آب دریاها، افزون بر اینکه نعمتی دیگر از سوی خداوند شمار شده و بدین قرار، قدرت بی‌نظیر خالق یکتا را ثابت مینماید، باعث ایجاد تنوع زیست محیطی با ارزش بهره وری گوناگون شده است.

۲ «وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِنَآكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا: او کسی است که دریا را مسخّر [شما] ساخت تا از آن، گوشت تازه بخورید» (نحل / ۱۴). لغت شناسان (ر.ک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۵۱۹) واژه «طری» را به معنای تر و تازه بودن دانسته و بر اساس نظر مفسران (ر.ک: جمعی از مترجمان، ۱۳۷۷، ج ۶: ۳۲؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲: ۲۱۶) تامین مواد غذایی و گوشت تازه از دریا که انسان برای آن تلاشی نکرده و تنها قدرت خالق هستی آن را در میانه دریاها پرورش نموده و رایگان در اختیار بشر قرار داده، افزون بر اهم تغذیه از مواد غذایی تازه نشانه مرحمت الهی و نعمتی ارزشمند بر انسان قلمداد می‌گردد.

۳. فرازی دیگر از آیات (ر.ک: نحل / ۱۴؛ الرحمن / ۲۲) دیگر منفعت دریا را استخراج مواد زینتی دانسته؛ طبع و ذوق فطری انسان به سمت زیبایی است و این بُعد روحی نقش قابل ملاحظه‌ای در طراوت، دوری از خمودگی و حیات انسان دارد که می‌بایست مرتفع شود؛ از این رو «لؤلؤ» و «مرجان» ذکر شده در آیات (ر.ک: الرحمن / ۲۲) به عنوان وسیله زینتی اعلاوه بر آنکه کالای تجاری شناخته شده که از آن سود فراوانی به دست می‌آید در علم طب هم کاربرد فراوان داشته (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۳: ۱۲۷) و توجه پزشکان امروزی را در درمان اقسام بیماری نظیر تقویت قلب و اعصاب، برطرف‌کننده خفقان، حالت ترس و وحشت، تقویت کبد، رفع

بدبویی دهان، دفع سنگهای کلیه و مثانه، یرقان و... به خود معطوف داشته است، نعمت و موهبت الهی بر انسان تلقی گردیده و از حیث همین ارزش‌ها در برخی روایات (ر.ک: قمی، ۱۳۶۷، ج ۲: ۳۳۴؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۵: ۲۳۳) «لؤلؤ» و «مرجان» را به امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام تعبیر نموده‌اند.

۴. تامل در آیات قرآن کریم (ر.ک: نحل / ۱۴؛ الرحمن / ۲۴) چهارمین منفعت دریا را امکان کشتیرانی برای انسان دانسته و در سوره‌های گوناگون سی بار از کشتی و کشتیرانی تعابیر گوناگونی همچون جوار، جاریه، سفینه، فلک سخن به میان آورده است و مقصود از آوردن کشتی با لفظ «جوار» در آیه ۲۴ سوره الرحمن به خاطر حرکت تند و سریع آن بر روی آب جاری است و این لفظ بر دختران جوان از این رو بیان می‌شود که آنان در اثر شور و نشاط جوانی سریع راه می‌روند (ر.ک: طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳: ۲۴۴)؛ لذا مفسران (ر.ک: کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۹: ۱۲۰؛ حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۱۲: ۴۱۲) بهره‌های گوناگونی را به لحاظ مسافرت سریع و تند، جابه جایی، درآمد اقتصادی ساخت و ساز، امرار معاش و تامین نیازمندی‌های انسان از سرزمین‌های گوناگون و... برای آن برشمرده‌اند که همه این نعمت‌ها حس شکرگذاری را در انسان آگاه ایجاد کرده تا شاید سپاس خداوند متعال را بجا آورد؛ از این رو حضرت باری تعالی ضمن بیان نعمت بهره‌گیری از دریاها و محصولات دریایی در سوره الرحمن سه مرتبه به طور مکرر نسبت به همین آلاء می‌فرماید: «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» تا هر تکذیب‌کننده‌ای را متذکر و متوجه این نعمت‌های ارزشمند سازد.

۱-۷-۳. فناپذیری ممکن‌الوجود و فناپذیری واجب‌الوجود

انسان از منظر قرآن کریم، برتر از مادیات و حیوانات است. او باید ابدی و جاویدان باشد و برای رسیدن به چنین هدفی آفریده شده، وصول به چنین هدفی، برابر است با وصول به عبودیت و قرب الهی. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَا

خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ؛ مَنْ جَنَّ وَ انْسَ رَا نِيَا فَرِيْدَمْ جَزْ بَرَايَ اَيْنَكِهْ عِبَادَتَمْ كَنْنَد [و از اين راه تكامل يابند و به من نزديك شوند]» (ذاريات / ۵۶) از اين رو آيات مباركه سوره الرحمن يكي ديگر از نعمت‌هاي الهي را وجود مرگ مي‌داند و مي‌فرمايد: «كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ * وَ يَبْقَى وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَ الْاِكْرَامِ * فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ * يَسْتَلْهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ * فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ: همه كساني كه روي آن [زمين] هستند، فاني مي‌شوند و تنها ذات ذوالجلال و گرامي پروردگارت باقي مي‌ماند! پس کدامين نعمت‌هاي پروردگارتان را انكار مي‌كنيد؟! تمام كساني كه در آسمان‌ها و زمين‌اند، از او تقاضا مي‌كنند و او هر روز درشان و كاري است! پس کدامين نعمت‌هاي پروردگارتان را انكار مي‌كنيد؟!» (الرحمن / ۲۶-۳۰)؛ بنا بر اين بخش از آيات قرآن كريم، مي‌توان دريافت آن‌گونه كه به تعبير اهل بيت عليهم‌السلام، روزگار عمر گذشتني و زودگذر بوده و عمر آدمي به شتاب ابر سپري خواهد شد، نعمت‌هاي دنيا هم زودگذر و فاني شديني بوده و اگر انسان از نعمت‌هاي عطا شده ازسوي خداوند، بهره‌مند نشود، در نخستين فرصت از دستش خواهد رفت؛ بدين قرار «وَاسْتَصْلِحْ كُلَّ نِعْمَةٍ أَنْعَمَهَا اللَّهُ عَلَيْكَ وَ لَا تُضَيِّعَنَّ نِعْمَةً مِنْ نِعَمِ اللَّهِ عِنْدَكَ وَ لِيُرِ عَلَيْكَ أَثْرَ مَا أَنْعَمَ اللَّهُ بِهِ عَلَيْكَ؛ هر نعمتي كه خداوند به تو عنایت فرموده به درستي استفاده كن و هيچ نعمتي از نعمت‌هاي خدا را ضايع نكن و بايد اثر و نشانه‌هاي نعمت‌هايي كه خداوند به تو عنایت فرموده در تو ديده شود» (احمدی میانجی، ۱۴۲۶ق، ج ۲: ۳۳۳)؛ از سويي «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» كه در خصوص تأكيد نعمت‌هاي الهي آمده نشان از اين دارد كه مرگ نيز يكي از نعمت‌هاي ارزشمند كه حضرت باري تعالی برای انسان مقدر گردانیده است. هر عاقلی اگر به آخرت اعتقاد داشته باشد، دنيا را فدای آخرت و در جهت منافع ابدیت خود صرف می‌كند (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۵: ۲۲۷). به تعبير رساتر دنيا را مقدمه‌ای برای كمال و جاودانه شدن خود قرار می‌دهد (ر.ك: عنكبوت / ۶۴).

۳-۲. نعمت‌های اخروی

دسته دیگر از نعمت‌های الهی، نعمت‌های اخروی بوده که از بستر مرگ و به دنبال انتقال به جهان باقی شامل حال آدمی می‌گردد. به‌دیگرسخن، از آنجاکه جمله ادیان آسمانی، بر این امر اتفاق نظر دارند (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۵۸-۱۵۹) که آخرت از دنیا بریده نیست و اصولاً دو کلمه آخرت و دنیا، اشاره به دو حالت روح انسانی دارد و با عنایت به اینکه زندگی بدون نعمت، منتفی به نظر می‌رسد، معلوم میشود، آن جهان نیز از نعمت‌های ویژه خود برخوردار است. ناگفته پیداست، نعمت‌های اخروی نه تنها از نعمت‌های این جهانی جدا نبوده بلکه پیوسته و مرتبط با دنیا می‌باشد. رابطه عمیق میان دنیا و آخرت براندیشمندان و صاحبان خرد هویدا و امری بدیهی و مستلزم حکمت بالغه الهی و مسئله عدل الهی است (مطهری، ۱۳۷۲: ۱۴۳).

۳-۲-۱. نعمت حسابرسی

سوره مبارکه الرحمن اولین نعمت اخروی را نعمت حسابرسی دانسته و می‌فرماید: «سَنَفُغُ لَكُمْ أَيُّهَ النَّقْلَانِ ﴿۳۱﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ: به‌زودی به حساب شما می‌پردازیم ای دو گروه انس و جن! پس کدامین نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟!» (الرحمن / ۳۱-۳۲). یکی از نام‌های قیامت در قرآن کریم یوم الحساب است (ر.ک: ص / ۱۶) معنی حساب شمارش و مقصود از آن بررسی عمل، گفتار، برخورد، نیت‌ها و تصمیمات می‌باشد (فیروزآبادی، [بی‌تا]، ج ۱: ۵۴) طبق روایات و آیات قرآن کریم، اعمال انسان به هر اندازه که باشد، در آخرت تجسم عینی می‌یابد (ر.ک: زلزال / ۶-۸؛ کهف / ۴۹؛ عاملی، ۱۳۶۰، ج ۸: ۶۴۲). انسان راه گریز و انکاری از اعمال خود ندارد و در واقع بر کرده خود اقرار می‌نماید؛ بنابراین خداوند متعال با یادآوری حسابرسی برای صالحان تشویق و دلگرمی و برای بزه کاران یادآوری و مقصود تربیتی دارند که روزی در برابر اعمال خود پاسخگو خواهند بود. از این حیث حسابرسی را نعمت می‌

شمارد، تا انسان را هدایت و در مسیر کمال قرار دهند.

۲-۳. نعمت فروپاشی نظام دنیا و ربوبیت مطلق خداوند

از منظر قرآن کریم (ر.ک: آل عمران / ۱۸۹)، مالک همه موجودات، خداوند باری تعالی است. او علت تامه و ما همه مخلوق و مملوک هستیم. در این دنیا اشخاصی اند که خود را مالک و متصرف می‌دانند و نمی‌توانند به خود تلقین نمایند که این مالکیت موقتی و محدود است. از این رو اعمالی دارند که گویا: خویشتن را مالک دائمی و غیر موقت می‌دانند؛ بنابراین در سوره الرحمن به‌طور ضمنی بر مالکیت و تحت تسلط بودن همه امور اشاره داشته و بر ناتوانی و نیازمندی دائمی موجودات عالم بر خالق خود «يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِّنْ نَّارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا تَنْصِرَانِ * فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ * فَإِذَا انشَقَّتْ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ * فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ * فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌّ * فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ: شعله‌هایی از آتش بی دود و دودهایی متراکم بر شما فرستاده می‌شود و نمی‌توانید از کسی یاری بطلبید! پس کدامین نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! در آن هنگام که آسمان شکافته شود و همچون روغن مذاب گلگون گردد [حوادث هولناکی رخ می‌دهد که تاب تحمل آن را نخواهید داشت]! پس کدامین نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! در آن روز هیچ‌کس از انس و جنّ از گناهش سؤال نمی‌شود [و همه چیز روشن است]! پس کدامین نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟!» (الرحمن / ۳۵-۴۰)؛ لذا خداوند به این وسیله ربوبیت خود را بر موجودات عالم اثبات می‌کند و بر طبق نظر مفسران (ر.ک: طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹: ۱۳۵) ربوبیت چیزی، به جز تدبیر مالک در امور ملک خود نمی‌باشد. تهدیدات و نوع اتفاقات از آیات مشخص می‌فرماید که فروپاشی و دگرگونی نظام دنیا صورت خواهد پذیرفت و شرایط محیای برپایی قیامت می‌شود که هر انسان اعم از مؤمن و کافر سزای اعمال خیر و شرش را خواهد چشید و راهی جز

حضور در دادگاه عدالت الهی و تسلیم در برابر حکم آن محکمه ندارد، تعبیر به نعمت الهی از همین رو است و خداوند متعال با آیه کریمه «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» متذکر این ارزش و نعمت شده است.

۳-۲-۳. برقراری عدالت^۱ و اجرای قانون عدل الهی بر گناهکاران

از عوامل بازدارنده قرآن کریم برای دوری از بزهکاری و گناه بیم‌دادن از وعده اجرای عدالت و کیفرهای اخروی است. ماهیت معاد موعود برای هشدار به مؤمنان و گناهکاران است. مسئله اجرای عدالت و مجازات تبهکارانی که از حدود الهی تجاوز کرده‌اند از مباحث گسترده معادشناسی است چراکه لازمه هدفمندی خلقت آفرینش بشمار می‌آید. آرایه و تصویری که از مجازات‌های آن جهان هویدا می‌گردد تجسم عینی عمل متجاوزین از حق در این دنیا است (ر.ک: کهف/ ۴۹؛ زلزال/ ۸-۶) که در حقیقت ارتباطی تکوینی - حقیقی و دهشتناک است. خداوند متعال در سوره الرحمن می‌فرماید: «يَعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأُقْدَامِ * فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ * هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ * يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ آتٍ * فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ: مجرمان از چهره‌هایشان شناخته می‌شوند و آنگاه آنها را از موهای پیش سر و پاهایشان می‌گیرند [و به دوزخ می‌افکنند]! پس کدامین نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟! این همان دوزخی است که مجرمان آن را انکار می‌کردند! امروز در میان آن و آب سوزان در رفت و آمدند! پس کدامین نعمت‌های پروردگارتان را انکار

۱. عدل، معانی گوناگونی در لغت و اصطلاح دارد. لغت‌شناسان (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ص ۵۵۱) در لغت در حکم و معنا مساوات دانسته‌اند و برای چیزهایی که با بصیرت و آگاهی (همانند احکام) و حواس (همانند اوزان، اعداد و پیمان‌ها) درک می‌شوند، بیان کرده‌اند و در اصطلاح، عدالت یعنی رعایت برابری در پاداش و کیفر دادن به دیگران، اعطا کردن حق هر صاحب حقی، قرارداد هر چیزی در موضع و جایگاه خود، حد متوسط میان افراط و تفریط در قوای درونی، به تساوی تقسیم کردن، ضد ظلم و جور و هم‌معنای قسط آمده است (ر.ک: مطهری، ۱۳۸۹، ج ۱: ص ۷۸-۸۵).

می‌کنید؟!» (الرحمن / ۴۱-۴۵). برخی مفسران (ر.ک: طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹: ۱۰۸؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۴۵۱) اخذ به ناصیه را معنای حقیقی تلقی نموده و آن را عبارت از گرفتن موی پیش سر عنوان نموده‌اند اما در مقابل، دسته‌ای دیگر (ر.ک: مکارم شیرازی: ۱۳۷۴، ج ۲۳: ۱۵۷)، آن را کنایه از غلبه کامل بر چیزی اعلام داشته‌اند.

۳-۲-۴. نعمت اعطای دو بهشت

خداوند متعال پس از هشدار به مجرمین و اثبات ربوبیت مطلق خویش؛ از پاداش و تشویق کسانی سخن به میان می‌آورد که پروردگارش را آن‌گونه که شایسته بوده شناخته‌اند و نعمت‌های دنیوی را زمینه‌ساز و مقدمه‌ای برای کمال خود قرار داده‌اند و با عمل خود در آن مسیر تلاش کرده‌اند «وَلَمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ * فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» و برای کسی که از مقام پروردگارش بترسد، دو باغ بهشتی است! پس کدامین نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟!» (الرحمن / ۴۶-۴۷). خوف از مقام پروردگارگاهی (ر.ک: طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹: ۱۰۸) به معنای ترس از مقام علمی خداوند و نظارت دائمی بر تمام امور و گاهی هم (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹: ۳۱۴) ترس از حسابرسی قیامت و حضور در دادگاه عدل الهی تفسیر شده است. افزون بر این، واژه «جنتان» است که اگرچه معرکه آرای مفسران قرار گرفته و هریک به معنایی تفسیر نموده‌اند (ر.ک: آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۴: ۱۱۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹: ۳۱۵؛ حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۱۲: ۴۲۶ و...)، اما بهترین تفسیر «جنتان»، به نظر می‌رسد بدین قرار است که یک بهشت پیرو بروز و ظهور اعمال صالح و رعایت حدود الهی نصیب آدمی گردیده و بهشت دیگر از تفضل و رحمانیت خداوند نشأت گرفته و به انسان اعطاء شده است (ر.ک: طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹: ۱۰۹؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۴: ۱۱۵).

۳-۲-۵. بهره‌مندی از نعمت‌های اخروی

دستیابی به آرامش حقیقی از آرزوهای انسان محسوب شده و در این راستا متحمل سختی‌ها و مشقت‌های زیادی گشته؛ بی‌تردید بسیاری از همت‌ها و کوشش‌های انسان و کشف‌های او پیرامون این جهان به منظور رسیدن و فراهم نمودن امکاناتی بوده که آسایش و آرامش خاطرش را مهیا سازد؛ از این رو خداوند متعال برای امید بخشی و ایجاد انگیزه در مؤمنان از بهشت اخروی و نعمت‌های آن سخن به میان می‌آورد. این نعمت‌های اخروی عبارت است از نعمت‌های جسمانی مانند زندگی، شهوت و... که ظاهر و انکار ناپذیر است؛ و نیز آلاء روحانی که ظاهراً جز برای اهل دقت معلوم نیست (ر.ک: طوسی، [بی‌تا]، ج ۸: ۲۸۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ۳۱۶) از این رو به باور مفسران (ر.ک: زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳: ۲۱۳-۲۱۴) آلاء جسمانی قابل مشاهده و دیدن است، اما نعمت‌های روحانی آن است که با دلیل و برهان مشخص شده یا اصلاً مشخص نمی‌شود.

۳-۲-۵-۱. نعمت‌های جسمانی (ظاهری) اخروی

خداوند در برخی آیات این سوره (الرحمن / ۷۴-۴۸) به‌طور مفصل، برخی از این نعمت‌های ظاهری را در قالب تصویری از دو باغ بهشتی برشمرده و جزئیاتی از کم و کیف آن را ترسیم می‌نماید که به باور مفسران (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج ۳: ۶۸) این تصویرسازی، صرفاً به منظور فهم انسان این جهانی صورت گرفته؛ و گرنه چهره واقعی بهشت به هیچ عنوان قابل قیاس با باغ و بوستان‌های دنیایی نیست؛ به‌دیگرسخن، از آن جا که بشر را توان درک آن بهشت نیست، خداوند به دنبال آن است، که ذهن او را از رهگذر مفاهیم متناسب با اقتضای این جهانی همچون باغ، همسران و حوریان، آن هم به عالی‌ترین صورت با حقیقت نعمت‌های بهشتی آگاه ساخته و ازبستر ادبیاتی منطبق و سازگار با حال و هوای این جهان، وی را به سمت

کمال و سعادت ماندگار آن جهان رهنمون سازد؛ وگرنه بر اساس روایات (ر.ک: بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۳: ۴۱۰؛ ابن‌فهد حلی، ۱۴۰۷ق: ۲۳۳) مدل مشابهی برای آن نعمت‌ها در دنیا نمی‌توان یافت.

۲-۵-۲. نعمت‌های روحانی (باطنی) اخروی

در مقابل، دسته‌ای دیگر از نعمت‌ها نیز وجود دارد، که از آن به آلاء روحانی تعبیر شده و مربوط به مرتبه بالای بهشت است و از آن به رضوان الهی یاد می‌شود این دسته از نعمت‌ها بعد روحی آدم را جلا داده و اصلی‌ترین نعمت‌های بهشتی محسوب می‌شود که برخلاف آلاء ظاهری کم و کیف آن معلوم نیست. شاید بتوان ادعا کرد، آیه «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ: آیا جزای نیکی جز نیکی است؟!» (الرحمن / ۶۰). در عالی‌ترین مفهوم خویش، گویای همین حقیقت است؛ به بیان بهتر، چنانچه مفهوم «احسان» بالاتر از عدالت (ر.ک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۲۳۶) تلقی شود، آنگاه می‌توان احسان خداوند را به نعمتی فراتر و غیر قابل تصور در زندگی آن جهانی تعبیر نمود که بنا به باور مفسران و اندیشمندان مسلمان (ر.ک: عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۵: ۱۹۹)، شاید بتوان گوشه‌ای از آن را عبارت از گزاره‌های زیر اعلام کرد:

فراهم نمودن شرایط و بستر آرامش خاطر و احساس راحتی (ر.ک: الرحمن / ۴۸، ۵۴، ۶۸، ۷۰ و ۷۶)، همنشینی و همراهی با افرادی که نمونه این جهانی ندارند (ر.ک: الرحمن / ۵۶، ۵۸ و ۷۲)، پدیدآمدن محیطی از لطف و امنیت (ر.ک: الرحمن / ۴۸، ۵۰، ۵۲ و ۵۴) و خشنودی خداوند متعال (ر.ک: الرحمن، ۶۰ و ۷۷)؛ البته بار دیگر لازم است بر این امر ابرام گردد، که نه این گزاره‌ها و نه گزاره‌های افزون بر آن، قابل درک با فضای این جهانی نیست. علی‌ای حال، بنابه مطالب پیش گفته و نیز با در نظر گرفتن مفاد سایر آیات قرآن کریم، شاید بتوان ادعا نمود که برخورداری از غفران الهی و سرانجام جاگرفتن در اعلی‌علیین (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹: ۳۲۰-۳۲۱؛ بیضاوی،

۱۴۰۲، ج ۱: ۳۰) بزرگ‌ترین نعمت‌های روحانی اهل بهشت معرفی گردیده است.

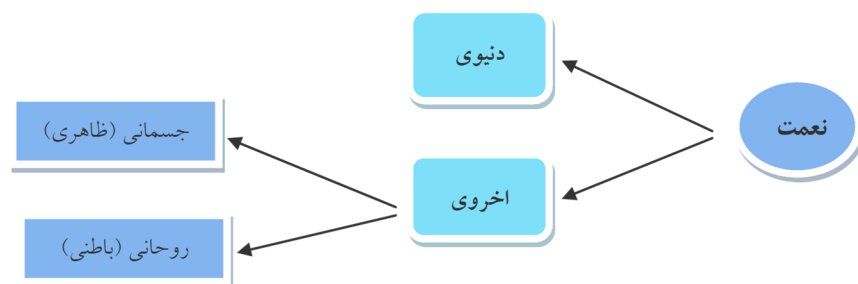
۳-۲-۶. نعمت زندگی پایدار و جاودانه

میل به جاودانگی در سرشت انسان نهادینه شده، اما حقیقت آن است که دنیا به لحاظ ذاتی به‌خاطر تغییرات، فرسایش، برخورد و تزاخم‌ها برای زندگی ابدی مهیا نشده است. خداوند متعال در سوره الرحمن پس از برشمردن نعمت‌های دنیوی و اخروی می‌فرماید: «تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ: پُرْبِرَكَت و زوال‌ناپذیر است نام پروردگار صاحب جلال و بزرگواری تو!» (الرحمن / ۷۸). واژه «تبارک» از ریشه برک به‌معنای سینه شتر می‌باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۱۱۹). به‌دیگر سخن از آنجاکه شتر هنگامی که می‌خواهد سینه خود را بر زمین چسبانده و ثابت می‌ماند، می‌توان استدلال نمود که معنای تبارک در آیه پیش‌گفته پایداری، ثبات و بادوام‌بودن است (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۳: ۱۸۶)؛ براین‌اساس ثابت می‌شود زوال‌ناپذیری خود، نعمت محسوب شده و از این حیث به موجود پرفایده «مبارک» می‌گویند. از آنجاکه ذات الهی منشا همه حسنات است، شایسته‌ترین موجود برای دریافت این عنوان می‌باشد. به این دلیل نعمت‌های اخروی همیشه پایدار و ماندگار است و هیچ‌گاه زوال نمی‌پذیرد و در حقیقت زندگی در آن همیشگی و جاودانه است؛ لذا به باور پاره‌ای مفسران (ر.ک: طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹: ۱۱۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹: ۳۲۰) انسان با تلاش و انجام اعمال شایسته از بطن زندگی این دنیا به ابدیت و برخوردار شدن از نعمت‌های همیشگی آن جهان دست پیدا خواهد کرد که پاسخگوی میل به جاودانگی‌اش خواهد بود.

نتیجه

سوره مبارکه الرحمن نود و هفتمین سوره در جزء ۲۷ می‌باشد. نام این سوره در

شرایط تعامل با مسیحیان حبشه تأکید شده است و یک آیه «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» در آن سی و یک بار، که به وسیله آن از بندگانش اقرار بر نعمت‌های خود می‌گیرد تکرار شده و بر محوریت نعمت‌های خداوند در دنیا و آخرت تکیه دارد و از آن جهت معروف به عروس قرآن شده که در این سوره تذکرات معرفتی - توحیدی فراوانی نسبت به اعطاهای الهی بر انسان وجود دارد که باعث تأثیرات روحی و روانی بسیاری در انسان می‌گردد. به لحاظ مفهومی نعمت به معانی آسایش، خوشگواری زندگی، نیکوبودن حالت و شادبودن است؛ که بنابر آیات این سوره، به نعمت‌های زودگذر و فانی دنیوی و نیز آلای ماندگار و جاودان اخروی تقسیم‌پذیر است. به علاوه، نعمت‌های اخروی خود به دو بعد جسمانی (ظاهر) و روحانی (باطنی) دسته‌بندی می‌شود. بعد جسمانی نعمت‌های اخروی ظاهر و انکار ناپذیر است؛ مانند زندگی، شهوت و... اما بعد روحانی آن، اگرچه جز برای اهل دقت معلوم نیست، اما می‌توان پاره‌ای از آن را فراهم نمودن شرایط و بستر آرامش خاطر و احساس راحتی، پدیدآمدن محیطی از لطف و امنیت، خشنودی خداوند متعال و... برشمرد که ماحصل آن برخورداری از غفران الهی و درنهایت، جاگرفتن در اعلیٰ علیین خواهد بود. نعمت‌ها چه دنیوی و چه اخروی هر دو در نظامی واحد جاری‌اند و یکدیگر را اصلاح می‌کنند. از سوی دیگر با عنایت به اینکه شناخت نعمت شناخت منعم را به دنبال دارد، باری تعالی به معرفی این نعمت‌ها در دو بُعد می‌پردازد، تا بستر و موجبات شناخت انسان از خودش را مهیا سازد و او را برای انجام وظایف، تدوین شخصیت و عملکردش در برابر خالق هستی به اندازه ظرفیتش آماده نماید و از سویی پی‌برد که تفضل الهی و وفور نعمت در حدی است که قابل شمارش نیست. نمودار تقسیم‌بندی نعمت بر طبق سوره الرحمن بدین شرح است.



در میان آلاء گوناگون ذکر شده در سوره الرحمن اهم و مهم‌ترین نعمت دنیوی قرآن، خلقت و بیان می‌باشد و در آخرت رضایت الهی است که بهشتیان از آن بهره‌مند می‌شوند.

منابع

۱. آلوسی، سید محمود. (۱۴۱۵ق.). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲. آماسویچ، بی‌نام. (۱۳۵۶). *ساختمان خورشید*. ترجمه محمود کیانوردی. بی‌جا: آبان.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۶۶). *علل الشرائع*. ترجمه هدایت‌الله مسترحمی. چ ۶، تهران: کتابفروشی مصطفوی.
۴. ابن فهد حلّی، احمد بن محمد. (۱۴۰۷ق.). *عدة الداعی و نجاح الساعی*. تحقیق احمد موحدی قمی. بی‌جا: دارالکتب الإسلامی.
۵. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو. (۱۴۱۹ق.). *تفسیر القرآن العظیم*. تحقیق محمدحسین شمس‌الدین. بیروت: دارالکتب العلمیه (منشورات محمدعلی بیضون).
۶. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی. (۱۴۰۸ق.). *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۷. احمد بن فارس. (۱۴۰۴ق.). *معجم مقانیس اللغة*. تحقیق عبدالسلام محمد هارون. قم: مرکز النشر التابع لمکتب الإعلام الإسلامی.
۸. احمدی میانجی، علی. (۱۴۲۶ق.). *مکاتیب الأئمة*، تحقیق مجتبی فرجی. قم: دارالحديث.
۹. الأزهری، محمد بن محمد. (بی‌تا). *تهذیب اللغة*. تحقیق عبدالسلام محمد هارون. تصحیح محمدعلی النجار. بیروت: دارالصادق.
۱۰. بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان. (۱۴۱۶ق.). *البرهان فی تفسیر القرآن*. تهران: بنیاد بعثت.
۱۱. بلخی، مقاتل بن سلیمان. (۱۴۲۳ق.). *تفسیر مقاتل بن سلیمان*. تحقیق عبدالله محمود شحاته. بیروت: دار إحياء التراث.

۱۲. بیضاوی، عبدالله بن عمر. (۱۴۰۲ق.). *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*. مصر: طبعة مصطفى محمد و دارالفائس.
۱۳. جمعی از مترجمان. (۱۳۷۷). *تفسیر هدایت*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۱۴. جمعی از نویسندگان. (۱۳۹۱). *زیست‌شناسی پیش‌دانشگاهی رشته علوم تجربی*. چ ۳، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
۱۵. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۸). *تسنیم*. قم: اسراء.
۱۶. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۰). *تفسیر موضوعی*. چ ۲، قم: اسراء.
۱۷. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۷). *نسبت دین و دنیا* (بررسی و نقد نظریه سکولاریسم). چ ۵، قم: اسراء.
۱۸. جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۱۰ق.). *تاج اللغة و صحاح العربیة*. تحقیق احمد عبدالغفور عطار. بیروت: دارالعلم للملایین.
۱۹. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد. (۱۳۶۳). *تفسیر اثنا عشری*. تهران: انتشارات میقات.
۲۰. خرمشاهی، بهاء‌الدین. (۱۳۷۷). *دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهی*. تهران: دوستان.
۲۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق.). *المفردات فی غریب القرآن*. بیروت: الدار الشامیه.
۲۲. زمخشری، محمود. (۱۴۰۷ق.). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*. چ ۳، بیروت: دارالکتاب العربی.
۲۳. سیوطی، جلال‌الدین. (۱۴۰۴ق.). *الدرالمشور فی تفسیر المأثور*. قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
۲۴. شریف رضی، محمد بن حسین. (۱۴۱۴ق.). *نهج البلاغه*. قم: هجرت.
۲۵. شوکانی، محمد بن علی. (۱۴۱۴ق.). *فتح‌القدیر*. بیروت: دارالکلم الطیب.

۲۶. طباطبائی، سیدمحمدحسین. (۱۴۱۷ق.). *المیزان فی تفسیر القرآن*. ج ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۷. طبرسی، فضل‌بن‌حسن. (۱۳۷۲). *مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن*. ج ۳، تهران: انتشارات ناصرخسرو.
۲۸. طریحی، فخرالدین. (۱۳۷۵). *مجمع‌البحرین*. ج ۳، تهران: کتابفروشی مرتضوی.
۲۹. طوسی، محمدبن‌حسن. (بی‌تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۰. عاملی، ابراهیم. (۱۳۶۰). *تفسیر عاملی*. تحقیق علی‌اکبر غفاری. تهران: انتشارات صدوق.
۳۱. عبد‌اللهی‌پور، مهدی و حسینی بجدنی، حسین. (۱۳۹۴). «آستان مقدس امام زاده محمد هلال‌بن‌علی علیه السلام به مثابه قطب فرهنگی شهرستان آران و بیدگل»، *مجموعه مقالات برگزیده نخستین کنگره ملی حضرت محمد هلال‌بن‌علی علیه السلام*. تهران: سازمان اوقاف و امور خیریه.
۳۲. عروسی‌حویزی، عبد‌علی‌بن‌جمعه. (۱۴۱۵ق.). *تفسیر نورالثقلین*. تحقیق هاشم رسولی محلاتی. ج ۴، قم: اسماعیلیان.
۳۳. فراهیدی، خلیل‌بن‌احمد. (۱۴۱۰ق.). *کتاب‌العین*. ج ۲، قم: انتشارات هجرت.
۳۴. فیروزآبادی، مجدالدین ابوظاهر محمدبن‌یعقوب. (بی‌تا). *القاموس‌المحیط*. تحقیق مکتب تحقیق‌التراث فی مؤسسه الرساله. بیروت: مؤسسه الرساله للطباعة والنشر والتوزیع.
۳۵. قرشی بنایی، علی‌اکبر. (۱۴۱۲ق.). *قاموس القرآن*. ج ۶، تهران: دارالکتاب الإسلامیه.
۳۶. قلعه‌قوند، نصرالله. (۱۳۹۱). *الأسماء الحسنی*. تهران: پلیکان.
۳۷. قمی مشهدی، محمدبن‌محمد رضا. (۱۳۶۸). *تفسیر کنزالدقائق و بحر الغرائب*.

- تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۸. قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۷). *تفسیر قمی*. تحقیق سیدطیب موسوی جزایری. چ ۴، قم: دارالکتاب.
۳۹. کاشانی، ملافتح الله. (۱۳۳۶). *تفسیر منهج الصادقین فی إلزام المخالفین*. تهران: کتابفروشی محمدحسن علمی.
۴۰. کلارک، رابرت برنارد. (۱۳۸۰). *آلودگی دریا*. ترجمه زینب محمدی دشتکی و محمدعلی زاهدزبان. بی جا: نقش مهر.
۴۱. مجنونیان، هنریک. (۱۳۶۹). *درختان و محیط زیست*. تهران: سازمان حفاظت محیط زیست.
۴۲. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۱). *اخلاق در قرآن*. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۴۳. مصطفوی، حسن. (۱۳۶۰). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۴۴. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۲). *جهان بینی توحیدی*. چ ۶، تهران: صدرا.
۴۵. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۹). *مجموعه آثار*. چ ۶، تهران: صدرا.
۴۶. معرفت، محمدهادی. (۱۳۸۱). *علوم قرآنی (التمهید فی علوم القرآن)*. قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.
۴۷. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۴۸. میبدی، ابوالفضل رشیدالدین. (۱۳۷۱). *کشف الأسرار و عده الأبرار* (معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری). تحقیق علی اصغر حکمت. چ ۵، تهران: امیرکبیر.